

معرفی و نقد کتاب

گزارش وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی (۱۳۸۲-۱۳۹۶)

هادی سلیمانی قره‌گل*

کتاب گزارش وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی عنوان مجموعه مقالاتی است که به سفارش مؤسسه غیردولتی رحمان تهیه و تدوین و با همکاری انتشارات آگاه در بهار ۱۳۹۷ منتشر شده است. این مؤسسه هدف از ورود به این موضوع را گزارشگری اجتماعی با هدف بهبود و ارتقای وضعیت اجتماعی می‌داند. این پیش‌فرض و انگاره راهبر در بین دست‌اندرکاران مؤسسه سفارش‌دهنده وجود داشته است که داشتن تصویری واقعی، علمی و بی‌طرف از مسائل اجتماعی، نخستین گام برای سیاست‌گذاری مناسب و برنامه‌ریزی اصولی در هر جامعه است. سعید معیدفر، جامعه‌شناس و دانشیار بازنشسته دانشگاه تهران، مدیریت علمی طرح ناظر به تدوین کتاب را بر عهده داشته‌اند. ایشان از جمله افراد صاحب‌نظر و شناخته‌شده در حوزه بررسی مسائل اجتماعی ایران بوده و تألیفات و ترجمه‌های متعددی در این حوزه به قلم ایشان منتشر شده است: جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی (ترجمه)، مسائل اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی قشرها و گروه‌های آسیب‌پذیر) از جمله این آثار می‌باشد.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، دانشگاه خوارزمی

۱. معرفی اثر

در این کتاب تلاش شده است تا در قالب سیزده مقاله مجزا به بررسی وضعیت گروه‌ها و اقشاری بپردازد که به زعم نویسندگان یا آسیب‌دیده هستند یا در معرض آسیب‌اند. این گروه‌ها عبارتند از: افراد مبتلا به اختلال روان، زنان و کودکان کتک‌خورده در خانه، بیمارهای مشکل درمان، کودکان بی‌سرپرست، بدسرپرست و فراری، سالمندان، بی‌سرنه‌ها و کارتن‌خواب‌ها، معتادان به مواد مخدر، روسپیان، زنان مطلقه و سرپرست خانوار، زندانیان و حادثه‌دیدگان بلایا و فجایع طبیعی. مقالات از الگوی مشابهی در تدوین تبعیت می‌کنند و شامل طرح مسئله، تعاریف مفاهیم، گزارش مسئله در ایران و کشورهای دیگر، تبیین پدیده، اشاره به پیامدهای مسئله، مرور راهکارهای تجربه‌شده برای مقابله با مسئله و درنهایت ارائه برخی پیشنهادها است. در ادامه به اجزای درونی و مباحث برخی از مقالات کتاب اشاره می‌شود:

مهسا رجب لاریجانی در مقاله «مطالعه آسیب‌های اجتماعی ایدز، هپاتیت، سرطان و بیماری‌های مشکل درمان و قربانیان آن‌ها» پس از طرح مقدمه و طرح مسئله به تعریف بیماری‌های موضوع گزارش و مرور تاریخچه بیماری‌های مشکل درمان می‌پردازد و در ادامه وضعیت بیماری‌های مشکل درمان در ایران و جهان را گزارش می‌دهد. مقاله تلاش دارد تا برحسب متغیرهای زمینه‌ای و سبک زندگی، شکلی از نوع‌شناسی قربانیان ارائه دهد و به نحوه مواجهه قربانیان با بیماری بپردازد. همچنین مشکلات و مسائل بیماران مشکل درمان را به مشکلات بالینی ناشی از عوارض بیماری، از دست دادن شغل و دشواری تأمین معاش و درمان، تصورات غلط مردم از بیماری‌ها، مسائل مربوط به ارتباط و تعامل قربانیان با دیگران در محیط خانواده، اطرافیان و کار مربوط می‌داند. مقاله در ادامه به تبعات افراد درگیر به بیمارهای مشکل درمان ذیل پیامدهای جسمانی، روانی، خانوادگی و اقتصادی می‌پردازد و درنهایت ضمن اشاره به علل اجتماعی و اقتصادی بیماری‌های مشکل درمان، راهکارهای تجربه‌شده در ایران و دیگر کشورها را مرور می‌کند. حمایت کادر بیمارستان از قربانیان، آموزش پیشگیرانه به جوانان، آموزش به خانواده قربانیان، ایجاد مؤسسات حامی بیماران مشکل درمان، فعالیت رسانه‌ها برای افزایش آگاهی عمومی از جمله این راهکارهاست.

مرضیه ذوالفقاری در مقاله «تکدی‌گری و متکدیان» تلاش می‌کند تا فراتر از نگاه‌های جرم‌انگارانه، متکدیان را به‌عنوان قشری آسیب‌پذیر که قربانی شرایط نامطلوب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی هستند معرفی کند. مقاله ضمن گزارش وضعیت تکدی‌گری در ایران و کشورهای دیگر مهم‌ترین مشکلات آن‌ها را برمی‌شمارد: طرد شدن از سوی خانواده، طرد اجتماعی، بیماری‌های جسمی، افزایش احتمال دستگیری، مشکلات رفتاری و اخلاقی، سوءاستفاده جنسی، و خطر تصادف. از نظر نویسنده مقاله، مشکلات اقتصادی و بیکاری در کنار مهاجرت مهم‌ترین

علل ایجاد و گسترش تکدی‌گری است. مقاله درنهایت بعد از مرور راهکارهای تجربه‌شده در خصوص کنترل و کاهش تکدی‌گری در ایران و برخی از کشورها، پیشنهادهایی را برای بهبود وضعیت متکدیان ارائه می‌دهد: تفکیک متکدیان مجرم و آسیب‌پذیر و فرهنگ‌سازی در مورد پذیرش جامعه، آموزش مهارت‌های زندگی و شغلی به متکدیان و شناسایی متکدیان.

سارا دارابی در مقاله «مطالعه و بررسی روسپی‌گری و روسپیان» بعد از توصیف وضعیت روسپیان در ایران و جهان، تاریخچه مختصری از روسپی‌گری در ایران ارائه می‌دهد. نویسنده بر مبنای تحلیل ثانویه پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص روسپی‌گری، تبیین تجربی آن را بر مبنای فقر، طلاق، خشونت، و اعتیاد ارائه می‌کند. مقاله در قالب تلقی روسپیان به عنوان قشری آسیب‌پذیر برخی پیامدهای آسیب‌زا برای افراد درگیر در این مسئله را برمی‌شمارد: اعتیاد، اختلالات روانی، مشکلات جسمی، ابتلا به اچ آی وی، فقر و خشونت علیه روسپی. درنهایت به مرور راهکارهای تجربه‌شده برای مقابله با روسپی‌گری یا کاهش آسیب‌های آن‌ها در کشورهای مختلف و ایران می‌پردازد؛ نگرش‌های ممانعت‌گرایانه، ایدئولوژی محدودسازی، قانونی کردن و تبعیض‌زدایی از جمله سیاست‌هایی است که به آن‌ها اشاره شده است.

سعید روحانی‌نژاد در مقاله «بررسی مشکلات بیماران مبتلا به اختلال روان و راهکارهای مقابله با آن در ایران»، استیگما و انگ‌زنی، جرم‌پذیری، سوءاستفاده جنسی، عدم پذیرش و نگهداری از سوی خانواده، بالابودن هزینه‌های درمان و تحرک اجتماعی نزولی را به عنوان مهم‌ترین چالش‌های افراد درگیر اختلالات روانی برمی‌شمارد. مقاله در تبیین اختلالات روانی در ایران به مواردی مانند افزایش بیکاری جوانان، رشد طلاق، دسترس‌ناپذیری ازدواج و تحولات جمعیتی اشاره می‌کند.

حسین سوختانلو در مقاله «مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی وضعیت طلاق و زنان مطلقه و سرپرست خانوار» هدف از تدوین آن را شناخت، توصیف و تبیین علمی وضعیت ازهم‌گسیختگی خانواده و زنان مطلقه و سرپرست خانوار به مثابه قشری آسیب‌پذیر معرفی می‌کند. مقاله تغییرات ارزشی در خانواده و تغییرات در سن ازدواج و ساختار شغلی و اشتغال زنان را از جمله تغییرات برجسته‌ای می‌داند که ساختار نهاد خانواده در ایران را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین ضمن گزارش آمار وضعیت طلاق در ایران به تاریخچه توجه به موضوع زنان مطلقه و سرپرست خانوار در ایران می‌پردازد و مشکلات آن‌ها را در سه حوزه اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی و روحی-روانی طبقه‌بندی می‌کند. به سیاق اغلب مقالات کتاب بخش نهایی مقاله به پیشنهاد راهبردهای مواجهه با مسئله اختصاص دارد؛ استفاده از توانایی سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت اجتماعی، آموزش حرفه و کار، حمایت از بازار فروش محصولات تولیدشده توسط زنان سرپرست خانوار، اولویت اشتغال، افزایش حمایت‌های بیمه‌ای و توانمندسازی فرزندان از جمله راهکارهای پیشنهادی مقاله است.

افشین خاکی نجف‌آبادی در مقاله «بررسی آسیب‌پذیری کودکان بی‌سرپرست، بدسرپرست یا فراری» با هدف دستیابی به توصیف مناسبی از وضعیت این کودکان در جامعه ایران، پس از بررسی تعاریف کودکانی که دارای مشکل سرپرستی هستند، آمار مربوط به آن‌ها را ارائه می‌کند. از نظر مقاله آسیب‌هایی که کودکان این‌چنینی در معرض آن هستند عبارت‌اند از کمبود عاطفه و محبت، افسردگی، بدخلقی و اختلالات رفتاری، چالش‌های جنسی، کار و بازماندگی از تحصیل. در بخش مرور راهکارها هم مقاله در دو سطح خرد و کلان به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کند. مراکز شبانه‌روزی نگهداری کودکان، فراهم‌آوردن محیط شبه خانواده برای کودکان، رفتار حمایتی پلیس و مددکاران اجتماعی از جمله راهکارهای خرد و اعمال سیاست‌های حقوقی، اقتصادی و فرهنگی خاص از جمله راهکارهای کلان پیشنهادی برای کاهش آسیب‌های این حوزه است.

۲. بررسی و نقد محتوای کتاب

پرداختن به مسائل اجتماعی در ایران پدیده نوظهوری نیست. نهاد دانشگاه و علم، به‌خصوص در رشته‌های تخصصی علوم اجتماعی، فارغ از مطالعات موردی در قالب مقالات و رساله‌های دانشگاهی در قالب رویدادهای جمعی چون همایش و سمینار مدت‌هاست که درگیر این حوزه است. نمونه‌های شاخص این رویداد برگزاری همایش آسیب‌های اجتماعی از نیمه دهه هفتاد شمسی تاکنون توسط انجمن جامعه‌شناسی ایران است. در کنار تلاش‌های دانشگاهی، نهادهای دولتی هم حسب مأموریت سازمانی در خصوص مسائل اجتماعی حساس بوده و تلاش کرده‌اند تا برخی برون‌دادهای علمی و کارشناسی در این حوزه داشته باشند. مجموعه سه جلدی گزارش وضعیت اجتماعی کشور که توسط جمعی از پژوهشگران و اساتید علوم اجتماعی به سفارش شورای اجتماعی کشور تدوین شده است از جمله نمونه‌های اخیر می‌باشد. با شکل‌گیری سازمان امور اجتماعی در سال گذشته به‌عنوان تجلی واکنش دیوان‌سالارانه به مسائل اجتماعی، شتاب تولیدات علمی-سازمانی در این حوزه نیز افزایش یافته است. در مقایسه با مجموعه اقدامات پژوهشی صورت‌گرفته در حوزه مسائل اجتماعی، آنچه گزارش موضوع این نوشتار را متمایز می‌کند نسبت آن با نهادهای مدنی و نظام انگیزشی تدوین و انتشار آن است. در مقدمه اشاره شد که گزارش وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی (۱۳۸۲-۱۳۹۶) توسط مؤسسه رحمان به‌عنوان یک نهاد خصوصی-مدنی سفارش داده شده است. این مؤسسه اولین گزارش وضعیت اجتماعی در سال ۱۳۹۰ و گزارش وضعیت اجتماعی زنان را در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است که در هر دو گزارش شماری از مقاله‌ها به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند. مؤسسه رحمان در ادامه این گزارشات، مجموعه دو جلدی دومین گزارش وضعیت اجتماعی ایران را در سال ۱۳۹۷ منتشر کرده است. با توجه به ماهیت متمایز مؤسسه، در اینجا بیش از محتوای متن کتاب مداخله و کنشگری بازیگران جدید در حوزه مسائل اجتماعی اهمیت دارد که به آن پرداخته

خواهد شد. در ادامه به برخی از دلالت‌ها و ملاحظات مربوط به کتاب اشاره می‌شود. در طرح این ملاحظات علاوه بر محتوای مقالات به مقدمه کتاب هم توجه شده است. این مقدمه که توسط سعید معیدفر به‌عنوان مدیر علمی طرح نگاشته شده است در قالب نوعی بیانیه جهت‌گیری‌ها، اهداف و چشم‌انداز ناظر به کتاب را بیان می‌کند.

۱-۲. **ملاحظات شکلی؛** علی‌رغم اینکه افراد صاحب‌نظری در کمیته نظارت و داوری کتاب حضور دارند و مسئولیت مدیریت طرح هم برعهده یکی از اساتید برجسته حوزه مسائل اجتماعی بوده است، نویسندگان مقالات کتاب محدود و ناشناخته بوده و هر یک به‌تنهایی به تدوین مقالات دو یا سه حوزه متمایز پرداخته‌اند. متن همه مقالات هم به نوعی مرور ادبیات و تأکید بر تحلیل و گزارش تحقیقات و پژوهش‌های محققان مختلف است و تدوین‌کنندگان مقالات تلاش کرده‌اند تا با محوریت یک مسئله اجتماعی عمدتاً گزارشی از ایده‌های موجود ارائه دهند. درواقع در فقدان تجربه پژوهشی و مطالعاتی مستقل نویسندگان و نیز تمرکز هر یک از آن‌ها به دو یا سه موضوع، متن به سمت گزارش‌دهی صرف تألیفات آثار دیگران هدایت شده است. در متن برخی از مقالات استفاده از مصاحبه‌های ژورنالیستی به چشم می‌خورد و در فقدان تحقیقات مستند داخلی، در بعضی از مقالات بر اطلاعات و گزارش‌های خارجی تمرکز شده است. توجه به راهبردها و راهکارهای اتخاذشده (مرور سیاست) و روایت تاریخی از سیاست‌ها نکته مثبت این کتاب است. علاوه بر این در هر یک از مقالات مرور نسبتاً جامعی از پژوهش‌های مرتبط به عمل آمده است.

۲-۲. **"امر اجتماعی" علیه «امر اجتماعی»؛** در طرح کلی کتاب نوعی انسان‌گرایی می‌توان تشخیص داد که ذیل مقوله اخلاق فردی خواهان ایجاد حساسیت در مخاطب برای کنشگری مثبت در حوزه کاهش آسیب‌های اجتماعی است. این امر به صورت آشکاری در مقدمه طرح شده است. مقدمه کتاب در قالب نوعی سانتیمانالیسم^۱ عریان، خواهان بسیج انسان‌دوستانه شهروندان در حوزه مسائل اجتماعی است. این سانتیمانالیسم با تکیه بر «حس نوع‌دوستی و کمک به نیازمندان» خواهان «تحریک وجدان عمومی و عواطف مردم» برای «بسیج‌شدن و پرداختن به مشکلات» افشار آسیب‌دیده است. به عقیده نویسنده مقدمه که مسئول طرح کلی کتاب هم است کمک به نیازمندان در قالب نهادهای مردمی فعال می‌تواند «جنبه‌های مثبت و مفید شخصیت» کنشگران را فعال کرده و آن‌ها را از روحیه منفی فردگرایی افراطی باز دارد. آنچنان‌که پیدا است،

۱. $\text{Sentimentality} = \text{احساسات‌گرایی (سانتیمانالیسم)}$ ؛ در گذشته، نشان دهنده وابستگی فرد به عواطف بود که در نهایت او را در راه رسیدن به حقیقتی خاص یاری می‌کرد، با اینحال امروزه این مفهوم اغلب نشان دهنده احساسات و عواطف کم‌عمق و بی‌مایه‌ای است که حتی ممکن است به قیمت اتخاذ تصمیمی غیرعقلانی و غیرمنطقی تمام شود. در این متن هر دو معنا مدنظر بوده است.

برخلاف «امر اجتماعی» عینی و متعین در جامعه، به مثابه نقطه کانونی هویت بخش علوم اجتماعی، در اینجا "امر اجتماعی" فردی و شخصی شده مبنای تهییج و توجیه پرداختن به مسائل اجتماعی معرفی می شود. در همین زمینه و ذیل چنین فهمی از امر اجتماعی، مقولات خاصی موضوع این کتاب شده اند. در این کتاب مجموعه گروه ها و اقشار آسیب پذیری انتخاب شده اند که عمدتاً به تحلیل در سطح خرد و فردی گرایش دارند و از پرداختن به مسائل اجتماعی که برآمده از مناسبات ساختاری بوده و می تواند آسیب های جدی را متوجه گروه های وسیع تری کند، صرف نظر شده است. مسائلی چون شکاف طبقاتی، تبعیض قومی، اقلیتی و جنسیتی از این جمله اند که کتاب به آنها نپرداخته است.

۲-۳. «رویه های درگیرسازی»، فرارفتن از دولت در حوزه مسائل اجتماعی؛ در ناکامی تلاش های نهادهای رسمی برای مواجهه با آسیب ها و مسائل اجتماعی، کنشگران جدیدی به میدان سیاست اجتماعی وارد شده اند که مؤسسه سفارش دهنده کتاب یکی از این کنشگران غیررسمی است. فعالیت و مشارکت نهادهای مدنی در حوزه سیاست اجتماعی امری پذیرفته و مطلوب در کشورهای مختلف است و این نهادها یاریگر یا شریک دولت در ساماندهی عرصه اجتماعی اند. در واقع مشارکت اجتماعی در حال حاضر یک ارزش مدنی و دموکراتیک برای جوامع مختلف به شمار می رود. با این حال آنچه در خصوص این کتاب و ربط ارزشی مؤسسه سفارش دهنده محل بحث و مذاقه است بافتار و شرایطی است که از دل آن چنین نقش آفرینی در حوزه مسائل اجتماعی به وجود آمده است. مسأله اصلی نسبت امر مدنی با امر سیاسی در حوزه مسئله اجتماعی است؛ به نظر می رسد انتشار کتاب های این چنینی در لحظه اکنون، در قالب یک پدیده یا رویداد، سمپتوم و نشانه ای برای دوران از بین رفتن اسطوره دولت و فرارفتن از آن است. اینکه چگونه در ناامیدی از تلاش ها و اقدامات دولتی بخشی از جامعه در تلاش است از طریق مسیرهای جایگزین با بخشی از مسائل اجتماعی روبه رو شود. این تلاش در افق خود، خواهان متشکل شدن و نهادمندی برای حفظ جامعه در بحران های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. دیگر دولت بهترین خویشتن جامعه نیست و در خصوص این موارد مسئولیتی یا کفایتی ندارد. در حال حاضر روند مشابهی برای کنشگری فارغ از دولت در سایر حوزه های مدنی و اجتماعی به خصوص محیط زیست شکل گرفته است. در رویدادهای خاصی مثل زمین لرزه و زلزله هم مشاهده می شود که در بی اعتمادی به دولت بخش مهمی از مشارکت مردم به نهادهای مدنی و حتی شخصیت های سلبریتی هدایت پیدا می کند. این روند را می توان به تبعیت از ژاک دونزلو (۱۳۹۵) شکل گیری «رویه های درگیرسازی» در نظر گرفت که در آن تلاش می شود فضای میان دولت و فرد از طریق شرکای اجتماعی و محلی پُر شود. این رویه ها خواهان دستیابی به جبران های اجتماعی بدون رجوع منظم به دولت هستند. در این منطق جدید و نوظهور این ایده وجود دارد

که برای تغییر و بهبود واقعی جامعه باید مسئولیت‌هایی را که به غلط به سمت دولت هدایت شده‌اند، مجدداً در بدنه اجتماعی تزریق شود. آنچه از شواهد و قرائن حاکی است، رویه‌های درگیرسازی واقعی موجود در ایران در حوزه مسائل اجتماعی، علی‌رغم رویکرد اعلامی مثبت دولت برای تعامل با نهادهای مدنی، نه در راستای تقویت تعامل میان دولت و جامعه که در مسیر رقابت این دو در حال رخ دادن است.

۲-۴. **بازنمایی یا برساخت آسیب‌دیدگان؛** عنوان کتاب صراحتاً موضع خود را در قبال افراد درگیر با مسائل اجتماعی مشخص می‌کند: «آسیب‌پذیر» یا «آسیب‌دیده». نوع زبان به کاررفته در خصوص این افراد هم نسبتشان را با محیط پیرامون تعیین می‌کند. این امر علاوه بر اینکه کتاب را در درون رویکرد خاصی از مواجهه با مسائل اجتماعی قرار می‌دهد، دلالت‌های اجتماعی و سیاسی مهمی را نیز دارد. مهم‌ترین دلالت این نوع بازنمایی، مقیدکردن این افراد در یک موقعیت ابژگی و محروم نمودنشان از ظرفیت سوژه‌بودن، سخن‌گفتن و فاعلیت است. این افراد دقیقاً به دلیل همین موقعیت نه تنها قادر به بهبود وضعیت خود نیستند بلکه از درک شرایط خودشان نیز عاجزند. این در حالی است که هر نوع بازنمایی افراد درگیر در مسائل اجتماعی باید نسبت به خطاهای سودجویانه‌ای که علیه آن‌ها صورت می‌گیرد حساس باشد. فضای کلی حاکم بر گزارش‌های موضوع این نوشتار عمدتاً درگیر خطاهای این‌چنینی است و روایت آسیب‌دیدگی به لحاظ زبانی عمدتاً در خدمت اهداف اجتماعی و سیاسی است. در همین خصوص مقدمه کتاب مدعی است که از طریق ایجاد بسیج جمعی در حوزه مسائل اجتماعی گروه‌های آسیب‌دیده، می‌توان شاهد برانگیختگی اراده عمومی برای شکل‌گیری نهادهای دموکراتیک بود! تاریخ گواهی می‌دهد که گروه‌های رقیب جریان دموکراتیک نیز ذیل نمایندگی همین «آسیب‌دیدگان» در کارزارهای سیاسی پیروز شده‌اند. به عبارت دیگر، همان‌گونه که گروه‌های مسلط ذیل منافع یا پرابلماتیک خود، به شیوه‌ای سودجویانه به بازنمایی «آسیب‌دیدگان» پرداخته‌اند گروه‌های اصلاح‌گر و نوپدید نیز می‌توانند اشتباهاتی در قبال آنها داشته باشند. میل سودجویانه یا خیرخواهانه برای نمایندگی «آسیب‌دیدگان» از طریق تصرف صدای آن‌ها موجب خفگی‌شان خواهد شد (اسپیواک^۱، ۱۹۸۵). این نوع بازنمایی نه تنها به بهبود وضعیت گروه‌های درگیر منجر نمی‌شود بلکه به لحاظ زبانی فرودستی و «آسیب‌پذیری» آن‌ها را تشدید می‌کند. نمونه برجسته تاریخی این امر بازنمایی «حکایت دختران قوچان» در دوره قاجار است که بر اثر ظلم حاکمان محلی در ازای عوارض و مالیات به بیگانگان فروخته شده بودند. «گزارش» وضعیت این دختران و شکل‌گیری جریان اجتماعی و سیاسی متأثر از آن به زعم افسانه نجم‌آبادی (۱۳۸۱) نقطه آغاز شکل‌گیری خودآگاهی ملی ایرانیان در عصر جدید است؛ بالاین حال هرگز، هیچ‌یک از دختران

قوچان به سرزمین و خانواده خود بازگردانده نمی‌شوند. بر همین گواه، حکایت «آسیب‌دیدگان» اجتماعی در ایران مدرن، بیش از آنکه اجتماعی باشد سیاسی است. نکته قابل توجه دیگری که در این کتاب به چشم می‌خورد فقدان صدای مستقل و عاملیت افراد و گروه‌های درگیر مسئله است. این امر به لحاظ سیاسی و اجتماعی امکان مداخله و دست‌کاری آن‌ها توسط راویان را فراهم می‌کند. مجموعه مقالات کتاب هرچند تلاش دارد تا بیشترین جزئیات را براساس پژوهش‌های موجود درخصوص «آسیب‌دیدگان» یا گروه‌های «در معرض آسیب» ارائه دهد، باین حال از طریق «عینی‌کردن» آن‌ها، کنترل و دست‌کاریشان از طریق دانش را در دسترس قرار می‌دهد. البته به نظر می‌رسد این امر نه برآمده از اراده‌ای خودآگاه که پیامد اقتضائات روشی و تکنیکی گزارش «آسیب‌دیدگان» بوده است و درواقع محدودیت منابع و امکانات مؤسسه سفارش‌دهنده به نوعی مانع از رجوع مستقیم به آسیب‌دیدگان و شنیدن صدای آن‌ها شده است.

۲-۵. حرکت از عمق به سطح، تغییر پارادایم از علت‌یابی به حل مسئله؛ کتاب به صورت آشکاری در مقدمه و تک‌تک مقالات، بر اولویت و اهمیت رسالت گزارشگری ناظر به حل مسئله در برابر علت‌یابی تأکید دارد. ذیل این امر، متن خود را در درون منطقی عمل‌گرا و اصلاح‌گر جلوه می‌دهد که متمایز از سایر پژوهش‌ها و آثار علمی است. چنین تأکیدی بیشتر یادآور جریان‌های پراکتیکال به‌خصوص نظریه انتقادی در درون ادبیات علوم انسانی است که همسو با عبارت معروف مارکس بیش از تفسیر خواهان تغییر جهان هستند. باین حال، ما در مواجهه با این کتاب با یک تناقض یا در واقع سؤال روبه‌رو می‌شویم؛ آیا بدون درک علی از مسئله می‌توان به حل آن امیدوار بود؟ در سیاست‌گذاری عمومی اولین و به‌نوعی اساسی‌ترین قدم در مواجهه با یک مشکل شناخت عمیق و رادیکال از مسئله است. این نوع شناخت فراتر از توصیف و گزارش مشکل تلاش دارد تا در فهمی تبیینی عناصر و پارامترهای ایجادکننده مسئله را شناسایی کند. درواقع بدون درک عمیق از مسئله نمی‌توان به راهبرد و راه‌حل رسید. اساساً یکی از آفت‌های سیاست‌گذاری عمومی در ایران فاصله سیاست‌گذار یا سیاست‌پژوه با مسئله است. علی‌رغم اینکه یکی از نکات مثبت کتاب تلاش برای طرح راهکارها یا راه‌حل‌های مواجهه با مسائل و کاهش آسیب‌ها و تبعات آن است، که در اکثر مقالات مواردی در این خصوص طرح شده است، باین حال، به دلیل فاصله‌گیری از نگاه رادیکال و ریشه‌ای به مسئله متأسفانه مشاهده می‌شود که اکثر پیشنهادها ارائه‌شده در حد کلیات بوده و چیزی به فضای حل مسئله اضافه نمی‌کند. نکته تاحدودی پراهمیت‌تر، پیامدها و تبعات نگاه این‌چنینی است. متن به لحاظ شکلی و فرمی مدعی است که ضمن توصیف و تحلیل مسئله توانسته است راهبردهایی برای حل آن ارائه دهد. این امر از طریق ساده‌سازی مسئله و ایجاد تصویری نزدیک از رهایی و حل مسئله، به لحاظ روایی و روانی از شدت و قدرت آسیب‌گری مشکل می‌کاهد و به‌نوعی کنشگر این حوزه را تخدیر می‌کند. همان‌گونه که ادبیات سیاسی ساده

می‌تواند فریب‌دهنده و تداوم‌دهنده وضع موجود باشد، ساده‌سازی مشکل و راه‌حل در ادبیات مسائل اجتماعی می‌تواند فاجعه‌بار باشد. این امر شوربختانه فراگیر و گسترده است و نهادهای رسمی متولی مسائل اجتماعی با عمق بیشتری در ساده‌سازی مسائل سهیم‌اند. عدول از تبیین، تاریخ و ساختار و غلتیدن به گزارش اعداد و ارقام ذیل رویکردی انسان‌گرایانه-خیرخواهانه، آنچنان‌که در این کتاب دیده می‌شود، موجب پیدایی عمل‌گرایی غیرتاریخی و غیرتحلیلی در حوزه مسائل اجتماعی خواهد شد که حدّ نهایی پراکتیس آن کردارهای خیره‌مدار است. این نوع از تغییر پارادایمی درون منطقی از صورت‌بندی اجتماعی نمودار می‌شود که در آن رؤیاهای جمعی برای تغییرات بزرگ از بین رفته است و در ناتوانی برای مواجهه با علت‌ها، درگیر پیامدها و آسیب‌ها است.

در وضعیتی که هراس اخلاقی شدیدی در کل جامعه درباره مسائل اجتماعی به وجود آمده، دو مسیر متمایز و متباین در خصوص آن شکل گرفته است: دیوان‌سالاری مضاعف در برابر خیرخواهی مدنی. گواه این امر شکل‌گیری سازمان امور اجتماعی در وزارت کشور در کنار افزایش فعالیت نهادهایی چون مؤسسه سفارش‌دهنده این کتاب است. به نظر می‌رسد بافتار موجود حاکی از تضعیف امر اجتماعی، علی‌رغم برجستگی مسأله اجتماعی و پاره‌شدن پیوندهای نهاد مدنی با دولت است که در آن نه دولت به‌تنهایی قادر به مواجهه با مسئله است و نه در مقابل، نهادهای مدنی واقعی وجود دارند که بتوانند از پس روبه‌رو شدن با مسئله برآیند. فراتر از این شاهد انکاری رودررو از هر دو سو هستیم. این شرایط موقعیتی آستانگی است و یارای نزدیک شدن به حل مسئله را ندارد. فرا رفتن از این وضعیت آستانگی مستلزم ایجاد پیوند واقعی میان دولت و جامعه است. در تلاشی و هزیمت کردارهای دولتی برای بازسازی و بهسازی جامعه، دیگر برای دستگاه اجرایی نه انجام کار که توانایی سپردن آن به دیگران، باید مسئله باشد. نهادهای مدنی هم نه در خلأ که در نسبت با دولت باید بتوانند مسئولیت‌های جدیدی از جمله کنشگری در حوزه مسائل اجتماعی را بپذیرند. دولت قوی مستلزم جامعه قوی است و قدرت‌یابی این دو به‌صورت هم‌افزا امکان‌پذیر خواهند بود، همان‌گونه که ضعف هر دو به‌صورت متقابلی در دهه‌های گذشته پدیدار شده است.

منابع

جواهری، فاطمه (۱۳۹۴) گزارش وضعیت اجتماعی زنان در ایران (۱۳۹۰-۱۳۸۰)، تهران: نشر نی.
دونزولو، ژاک (۱۳۹۵) بداع/امر اجتماعی-رساله‌ای درباره افول هیجانات سیاسی، ترجمه آرام قریب، تهران: شیرازه.

مدنی قهفرخی، سعید (۱۳۹۰) گزارش وضعیت اجتماعی ایران (۱۳۸۱-۱۳۸۰)، تهران: مؤسسه رحمان.

معیدفر، سعید (۱۳۹۷) گزارش وضعیت اقشار آسیب‌پذیر و آسیب‌دیدگان اجتماعی ۱۳۸۲-۱۳۹۶ (مجموعه مقالات)، تهران: آگاه.

میگدال، جوئل (۱۳۹۵) دولت در جامعه؛ چگونه دولت‌ها و جوامع یکدیگر را متحول ساخته و شکل می‌دهند؟ ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.

نجم‌آبادی، افسانه (۱۳۸۱) حکایت دختران قوچان، از یادرفته‌های انقلاب مشروطیت، تهران: روشنگران و مطالعات زنان.

<https://en.wikipedia.org/wiki/Sentimentality>

Spivak, G.C. (1985) 'Can the Subaltern Speak?' In Cary Nelson & Lawrence Grossberg (Eds.) *Marxism and the Interpretation of Culture* (pp. 271-313), London: Macmillan.